ISSN: 2645-4408
پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی
فصلنامه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی
سال نهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۵)، پاییز ۱۴۰۴

بررسی تأثیر مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی با نقش میانجی آگاهی مالیاتی؛ مطالعه موردی: مؤدیان مالیاتی استان فارس

زهرا خواست‌خدایی[۱]، شکوفه نکوئی‌زاده[۲]*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴
کد مقاله: ۹۳۷۵۴

چکـیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه بررسی تاثیر مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی با نقش میانجی آگاهی مالیاتی (مطالعه موردی: مودیان استان فارس) انجام شده است. روش پژوهش از نوع توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل مؤدیان امور مالیاتی استان فارس می‌باشد. در این پژوهش، حجم جامعه ۳۰۰ نفر از مؤدیان مالیاتی استان فارس و با توجه به حجم نمونه و با استفاده از جدول مورگان تعداد نمونه ۱۷۰ نفر بوده‌است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد استفاده گردیده است. روایی پرسشنامه‌ها از نظر محتوایی حاصل شده و پایایی پرسشنامه‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ تعیین گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده از تحلیل عاملی و مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار Spss و اسمارت Pls استفاده گردیده است. نتایج پژوهش نشان داد که مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی با نقش میانجی آگاهی مالیاتی تأثیر معناداری دارد. مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی تأثیر معناداری دارد؛ همچنین مشوق‌های مالیاتی بر آگاهی مالیاتی تأثیر معناداری دارد و آگاهی مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

واژگـان کلـیدی: تاثیر مشوق‌های مالیاتی، تبعیت از قوانین مالیاتی، آگاهی مالیاتی، مؤدیان اداره امورمالیاتی استان فارس

۱- گروه حسابداری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۲- گروه حسابداری، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران. (نویسنده مسئول)
nekoee135@gmail.com

۱- مقدمه

یکی از منابع مالی دولت برای افزایش رشد کشور، بخش مالیات است. بنابراین، مشارکت فعال جامعه در پرداخت مالیات برای جمع آوری منابع جهت رشد ضروری است. تبعیت از قوانین مالیات دهندگان در مورد نحوه پرداخت بدهی های مالیاتی و گزارش مالیات دهندگان در یک جدول زمانی خاص بحث می‌کند (امین ، ۲۰۱۸).

درآمدهای مالیاتی نقش بسیار مهمی در اقتصاد هر کشوری ایفا می‌کند. یکی از مبانی دریافت مالیات بر اساس هدف، تبعیت از قوانین مالیات‌دهندگان است. تبعیت از قوانین مالیات‌دهندگان شرایطی است که در آن مالیات‌دهندگان به تعهدات مالیاتی خود عمل کرده و حقوق مالیاتی را اجرا می‌کنند (روهماواتی و همکاران[1]، ۲۰۱۲). تبعیت از قوانین مالیات‌دهندگان خوب را می‌توان از منظم بودن واریز مالیات مشاهده کرد (فاطمیا و وردانی[2] ، ۲۰۱۷). با رعایت قوانین مالیاتی، انتظار می‌رود که مالیات‌دهندگان سعی در اجرای قوانین مالیاتی یا انجام تعهدات خود داشته باشند. مزایای تبعیت از قوانین مالیات‌دهندگان شامل رعایت در ثبت‌نام، ارائه به‌موقع اظهارنامه مالیاتی برای انواع مالیات‌ها، محاسبه و پرداخت مالیات قابل پرداخت و پرداخت معوقات مالیاتی است (وینرونگان[3]، ۲۰۱۳).

ادراک آگاهی مالیاتی یکی از متغیرهای غیراقتصادی تبعیت از قوانین مالیاتی است. مالیات دهندگان اگر سیستم مالیاتی را ناعادلانه بدانند تمایل دارند از پرداخت مالیات اجتناب کنند. این امر اهمیت ابعاد آگاهی مالیاتی را در تأثیرگذاری بر تمکین مالیات دهندگان نشان می دهد. مطابق با نظریه برابری که ورودی ها و خروجی ها را به عنوان ارزیابی رفتار منصفانه برابر در نظر می گیرد. این نظریه از اعتقاد فرد به احساس انصاف و احساس بی‌دانشی که بر رفتار تأثیر می‌گذارد، ساخته شده است (بروتو و هارتو [4]، ۲۰۱۲).

عوامل زیادی باعث می شود که تصورات مالیات دهندگان متفاوت باشد، مانند مشوق، تجربه و دیدگاه. مشوق مالیاتی به عنوان راهنمایی برای مودیان مالیاتی در انجام تعهدات مالیاتی عمل می کند. مالیات دهندگان تمام مقررات مربوط به تعهدات مالیاتی را که اعمال می شود می دانند و درک می کنند، مودیان به راحتی تعهدات مالیاتی خود را انجام می دهند، مطابق با نظریه اسنادی که توضیح می دهد که رفتار یک فرد از منابع اسناد داخلی یا خارجی شکل می گیرد. قوای درونی(نیروهای شخصی) نتیجه توانایی، قدرت و تلاش فرد است (زهدی و همکاران[5]، ۲۰۱۵). مشکل اصلی این مطالعه رفتار عدم تبعیت از قوانین مالیاتی است که در سراسر جهان یک به یک موضوع واحد تبدیل شده است و ممکن است پیامدهای نامناسبی بر اقتصاد هر کشوری داشته باشد (لیپاتوف[6] ، ۲۰۱۲). رفتار عدم تبعیت از قوانین مالیاتی، موضوعی است که بر رشد و توسعه مالیاتی به عنوان یکی از منابع درآمد اولیه دولت در کشور تأثیر می گذارد. عوامل مختلفی میتواند بر رفتار عدم تبعیت از قوانین نقش داشته باشد که در نهایت به ضرر دولت و به تبع آن مردم خواهد بود. با توجه به اهمیت این موضوع و با توجه به مطالب ذکر شده اصلی‌ترین سؤال پژوهش حاضر این است که آیا مشوق های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی با نقش میانجی آگاهی مالیاتی تأثیرمعناداری دارد؟

۲- مبانی نظری

در حال‌حاضر بخش عمده ای از اعتبارات و درآمدهای مالیاتی، صرف عمران، آبادانی و امور زیربنایی کشور می‌شود. از این رو ارتقای روزافزون نظام مالیاتی و همگام ساختن آن با دانش روز، نقش انکارناپذیری در توسعه اقتصادی کشور دارد. بر این اساس، برنامه ریزی برای وصول کامل مالیات وجایگزین‌کردن درآمدهای مالیاتی به‌جای درآمدهای نفتی که در بیشتر موارد ناپایدار می باشد، از اساسی ترین محورهای برنامه ریزی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است. در این راستا کوشش شده است فرایندهای مالیاتی کارآمد شده و بازده مناسبی داشته باشد. کارشناسان اقتصادی معتقدند وجود نگاه یکپارچه و یکسان به مؤدیان مالیاتی، ایجاد زمینه و امکانات مناسب برای همکاری اصناف درخصوص انجام تکالیف قانونی و صنفی آنها از مهم‌ترین مواردی است که نظام مالیاتی به آن توجه دارد. مشوق‌های مالیاتی ابزارهایی هستند که دولت‌ها برای ترغیب مؤدیان به انجام رفتارهای مطلوب، از قبیل سرمایه‌گذاری، اشتغال‌زایی و تبعیت از قوانین مالیاتی، به کار می‌گیرند. این مشوق‌ها شامل معافیت‌ها، تخفیف‌ها، اعتبارهای مالیاتی و نرخ‌های ترجیحی هستند که هدف اصلی آن‌ها کاهش بار مالیاتی و تشویق به رعایت قوانین است (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی[7]، ۲۰۱۰). نظریه مشوق‌های مالیاتی شامل: نظریه مطلوبیت مورد انتظار(آلیننگهام و ساندمو[8]،۱۹۷۲)

1 Rohmawati, R. Lusia
2 Fatimah & Wardani
3 Winerungan
4 Berutu & Harto
5 Zuhdi et al.
6 Lipatov
7 OECD
8 Allingham & Sandmo

مؤدی در برابر تصمیم پرداخت یا فرار مالیاتی، هزینه و منفعت را می‌سنجد. مشوق مالیاتی در واقع مطلوبیت پرداخت را افزایش و هزینه روانی و مالی آن را کاهش می‌دهد. نظریه اقتصاد رفتاری و تقویت مثبت[1] مشوق مالیاتی نقش پاداش رفتاری دارد؛ یعنی پرداخت‌کننده مالیات احساس می‌کند نتیجه مثبت دریافت کرده و رفتار او تقویت می‌شود(اسکینر[2]،۱۹۵۳). بر اساس نظریه اقتصاد رفتاری مالیاتی، هنگامی‌که مؤدیان احساس کنند نظام مالیاتی عادلانه و تشویقی است، تمایل بیشتری به همکاری و تبعیت دارند (فری و ترگلر[3]، ۲۰۰۷). مشوق‌های مالیاتی از این طریق، نوعی انگیزش بیرونی برای افزایش انطباق مالیاتی ایجاد می‌کنند. در مطالعات داخلی نیز نشان داده شده است که اجرای سیاست‌های تشویقی مانند بخشش جرایم تأخیر، تخفیف در مالیات عملکرد و تسهیلات بازپرداخت موجب افزایش تمایل مؤدیان به تسلیم اظهارنامه صحیح و به‌موقع می‌شود (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۹). تبعیت مالیاتی[4] به میزان پایبندی مؤدیان به قوانین و مقررات مالیاتی در ارائه اطلاعات واقعی و پرداخت مالیات در موعد مقرر اشاره دارد (آلم[5]، ۲۰۱۹). این مفهوم در پژوهش‌ها به دو نوع تبعیت داوطلبانه و تبعیت اجباری تقسیم می‌شود.

بر اساس نظریه انتخاب عقلانی، مؤدیان زمانی تبعیت می‌کنند که منافع حاصل از تخطی کمتر از هزینه‌های احتمالی به مانند جریمه یا مجازات باشد. اما نظریه‌های جدیدتر مانند نظریه اعتماد نهادی بیان می‌کنند که تبعیت مالیاتی صرفاً تابع ترس از مجازات نیست، بلکه اعتماد به دولت، ادراک از عدالت مالیاتی و آگاهی مالیاتی نیز نقش مهمی در افزایش تبعیت دارند(کرچلر[6]، ۲۰۰۷). علاوه بر این، آگاهی مالیاتی موجب کاهش پیچیدگی ادراک‌شده قوانین مالیاتی و افزایش اعتماد به سیستم مالیاتی می‌شود که خود عامل مهمی در تبعیت است (سعد[7]، ۲۰۱۴). مطالعات تجربی نشان می‌دهد که بین آگاهی مالیاتی و تمکین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد: اریکسون و فالان[8] (۱۹۹۶) نشان دادند که آموزش مالیاتی و افزایش دانش، نگرش مثبت مودیان نسبت به پرداخت مالیات را تقویت می‌کند.

آگاهی مالیاتی[9] به معنای درک، شناخت و دانش مؤدیان از قوانین، مقررات، فرایندها و حقوق مالیاتی خود است(سعد، ۲۰۱۴). آگاهی مالیاتی، رفتار تبعیت مؤدیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا با افزایش فهم مؤدیان از وظایف مالیاتی و پیامدهای عدم رعایت قانون، احتمال تبعیت داوطلبانه افزایش می‌یابد(پالیل و مصطفی[10]، ۲۰۱۱)؛ مودوگو و آنایدابا[11](۲۰۱۴) تأکید کردند که مؤدیانی که آگاهی بالاتری از قوانین مالیاتی دارند، تمایل بیشتری به رعایت قانون و اظهار صحیح درآمد دارند. کاندابانیاگا و همکاران[12](۲۰۱۷) آگاهی مالیاتی را به عنوان یک عامل میانجی میان اعتماد به دولت و تمکین مالیاتی معرفی کرده‌اند. مشوق‌های مالیاتی[13] از دیدگاه اقتصاد مالی به عنوان ابزاری غیرمستقیم برای هدایت رفتار اقتصادی مودیان تعریف می‌شوند که دولت‌ها از آن به‌منظور افزایش تمکین، جذب سرمایه‌گذاری یا تحقق اهداف اجتماعی–اقتصادی استفاده می‌کنند(جیمز و نوبز[14]، ۲۰۱۴).

نقش میانجی آگاهی مالیاتی در مدل‌های رفتاری بدین معناست که مشوق‌های مالیاتی ابتدا سطح آگاهی مؤدیان را افزایش داده و سپس از طریق این افزایش آگاهی، تبعیت مالیاتی نیز تقویت می‌شود(سعد و هنیفه[15]، ۲۰۱۷) ؛ برای مثال، سیاست‌های اطلاع‌رسانی و آموزش مؤدیان همراه با ارائه مشوق‌های مالیاتی می‌تواند سطح درک آنان از فرآیندهای اظهارنامه و نرخ‌ها را افزایش دهد و در نتیجه، تبعیت داوطلبانه تقویت شود. مطالعات نشان می‌دهند که مشوق‌های مالیاتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر تبعیت مالیاتی اثرگذارند. تأثیر مستقیم از طریق کاهش بار مالیاتی و افزایش احساس عدالت است و تأثیر غیرمستقیم از طریق افزایش آگاهی مالیاتی رخ می‌دهد(لوو[16]، ۲۰۲۰).

وقتی دولت در کنار ارائه مشوق‌ها، برنامه‌های اطلاع‌رسانی و آموزشی را اجرا می‌کند، مؤدیان درک بهتری از قوانین پیدا کرده و از ترس ناآگاهی یا اشتباه، تبعیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، آگاهی مالیاتی نقش تسهیل‌گر و میانجی‌گر دارد که مسیر اثرگذاری مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت را هموار می‌سازد(علی، ۲۰۲۲).

1 Behavioral Reinforcement Theory
2 Skinner
3 Frey & Torgler
4 Tax Compliance
5 Alm
6 Kirchler
7 Saad
8 Eriksen & Fallan
9 Tax Awareness
10 Palil & Mustapha
11 Modugu & Anyaduba
12 Nkundabanyanga et al.
13 Tax Incentives
14 James & Nobes
15 Saad & Hanefah
16 Loo

۲-۱ پیشینه پژوهش

حسینی و همکاران(۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان تاثیر عدالت و فهم مالیاتی بر درک تعهدات مودیان درباره فرار مالیاتی انجام دادند. نتایج پژوهش، فهم مقررات مالیاتی فرآیندی است که در آن مالیات دهندگان از قوانین مقررات و همچنین رویه های مالیاتی آگاهی دارند؛ اگر فهم مالیات دهندگان از مالیات بالا باشد، رفتار مالیات دهندگان بهتر می شود بنابراین هدف این تحقیق بررسی تاثیر عدالت و فهم مالیاتی بر درک تعهدات مودیان درباره فرار مالیاتی می باشد.

محمدی و پرویزی(۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر عدالت، فرهنگ و اخلاق پول دوستی بر فرار مالیاتی با نقش میانجی جنسیت در مالکین شرکت‌های متوسط و بزرگ در ایران انجام دادند. نتایج این مطالعه همچنین نشان داد که میزان فرار مالیاتی و اخلاق پول دوستی در زنان پایین‌تر ولی فرهنگ مالیاتی و دانش مالیاتی در آنان در مقایسه با مردان بزرگتر بود. در مجموع و بر اساس یافته‌ها، دانش مالیاتی و فرهنگ مالیاتی می‌توانند میزان فرار مالیاتی را کاهش دهند، در حالی‌که اخلاق پول دوستی باعث افزایش فرار مالیاتی شد و فرار مالیاتی توسط جنسیت زنان به‌میزان زیادی کاهش می‌یابد.

الوفمی و همکاران[1] (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان «تأثیر آگاهی مالیاتی و مشوق مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی شرکت‌های تولیدی فهرست‌شده در نیجریه» انجام دادند. این مطالعه تأثیر انصاف مالیاتی را بر تبعیت از قوانین مالیاتی شرکت‌های تولیدی فهرست‌شده در نیجریه بررسی کرد. این مقاله یک روش تحقیق پیمایشی را اتخاذ کرد و چهارصد نسخه از پرسشنامه برای شرکت‌های تولیدی منتخب هر دو بخش کالاهای مصرفی و صنعتی اجرا شد. نظریه منحنی لافر زیربنای این مطالعه بود و از تحلیل همبستگی، آنالیز واریانس (ANOVA) و تحلیل رگرسیون چندگانه نیز استفاده شد. این مطالعه نشان داد که سطح قابل‌توجهی از رعایت مالیات در میان شرکت‌های تولیدی فهرست‌شده در نیجریه وجود دارد. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که درک مالیات‌دهندگان شرکتی از دانش، تأثیر قابل‌توجهی بر تمایل مالیات‌دهندگان شرکتی برای پرداخت مالیات دارد و مشوق مالیاتی به‌طور قابل‌توجهی بر رعایت مالیات تأثیر می‌گذارد.

اولادیپو و همکاران[2](۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان «تأثیر رفتار مالیاتی آگاهی بر تبعیت از قوانین مالیاتی مقامات مالیاتی و مالیات‌دهندگان شرکت‌های تولیدی فهرست شده در نیجریه» انجام دادند. این مطالعه تأثیر آگاهی مالیاتی مقامات مالیاتی را بر رفتار تبعیت مالیاتی مالیات‌دهندگان در بخش تولید نیجریه بررسی کرد. این مطالعه یک روش تحقیق پیمایشی را اتخاذ کرد و ۴۰۰ نسخه از پرسشنامه برای شرکت‌های تولیدی فهرست شده منتخب در نیجریه و مودیان سازمان مالیاتی مربوطه اجرا شد. نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده زیربنای این مطالعه بود و از تحلیل همبستگی، آنالیز واریانس (ANOVA) و تحلیل رگرسیون چندگانه نیز استفاده شد. این مطالعه نشان داد که سطح قابل‌توجهی از رعایت مالیات در میان شرکت‌های تولیدی فهرست‌شده در نیجریه وجود دارد. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که ادراک مقامات مالیاتی از دانش تأثیر قابل‌توجهی بر تبعیت از قوانین مالیات‌دهندگان شرکتی دارد.

یوتاما و همکاران[3](۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «تأثیر دینداری، ریسک درک شده و نگرش بر قصد تبعیت از قوانین مالیاتی با نقش تعدیل‌کننده تشکیل پرونده الکترونیکی» انجام دادند. این پژوهش به بررسی تأثیر دینداری، ریسک درک شده و نگرش بر قصد تبعیت از قوانین با مالیات پرداخته است که توسط پرونده الکترونیکی تعدیل شده است. این تحقیق از رویکرد کمی شامل مدل معادلات ساختاری استفاده کرده است. مؤدیان مالیاتی کلان عموماً در قالب سازمان‌ها و افراد هستند، بنابراین جامعه این تحقیق را مؤدیان بزرگ جاکارتا تشکیل می‌دهند که درمجموع ۵۲۹ شرکت می‌باشد. نتایج نشان داد که دینداری و ریسک درک شده به‌طور قابل‌توجهی بر نگرش تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، نگرش تأثیر مثبت و معناداری بر قصد تبعیت از قوانین مالیاتی دارد. پرونده الکترونیکی اثر تعدیل‌کننده ناچیز بر مدل تحقیق نشان داد. نوآوری‌ها توسعه نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده با درگیر کردن سایر متغیرهایی (دینداری و ریسک درک شده مالیات‌دهندگان) است که بر رفتار پیروی از مالیات‌دهندگان تأثیر می‌گذارند.

۳- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی با نقش میانجی آگاهی مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی۱: مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

1 Olufemi

2 Oladipo

3 Utama

فرضیه فرعی۲: مشوق‌های مالیاتی بر آگاهی مالیاتی تأثیر معناداری دارد.
فرضیه فرعی۳: آگاهی مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

۴- ابزارگردآوری داده‌ها و مدل مفهومی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل مودیان امور مالیاتی استان فارس می‌باشد. در این پژوهش، حجم جامعه ۳۰۰ نفر از مودیان اداره امورمالیاتی استان فارس و با توجه به حجم نمونه و با استفاده از جدول مورگان تعداد نمونه ۱۷۰ نفر بود .
در این پژوهش داده‌ها به روش میدانی جمع‌آوری شده است. در روش میدانی، پرسشنامه یکی از متداولترین طرق جمع‌آوری اطلاعات است. در تهیه و تنظیم پرسشنامه محقق سعی دارد تا از طریق طرح تعدادی سؤال، اطلاعات مورد لزوم را از پاسخگو دریافت کند. برای انجام این تحقیق از پرسشنامه‌های کلی زیر استفاده شده است :

تبعیت مالیات‌دهندگان از پرسشنامه طراحی شده توسط پوربا[1](۲۰۲۱) با طرح ۵ گویه در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای(از ۱: کاملا مخالفم تا ۵: کاملا موافقم)؛ جهت سنجش متغیر مشوق مالیاتی از پرسشنامه طراحی‌شده توسط سوسیانتی و اسکندر[2](۲۰۲۱) با طرح ۴ گویه در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای(از ۱: خیلی کم تا ۵: خیلی زیاد) و جهت سنجش متغیر آگاهی مالیاتی از پرسشنامه طراحی‌شده توسط الوفمی و همکاران[3](۲۰۲۳) با طرح ۳۶ گویه در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای(از ۱: کاملا مخالفم تا ۵: کاملا موافقم).

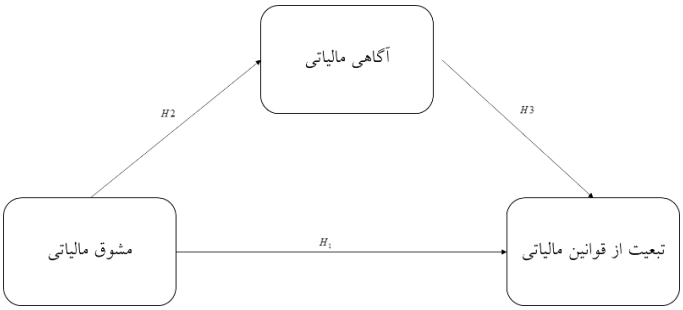

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۵- یافته‌ها

۵-۱ آمار استنباطی

مطابق جدول شماره ۱ قابل ذکر است که۵۸٫۸ درصد از پاسخگویان مردان و ۴۱٫۲درصد از پاسخگویان را زنان تشکیل می دهند؛ درخصوص سن پاسخگویان ۱۱٫۲درصد از پاسخگویان دارای سن بین ۲۵ تا ۳۵ سال سال، ۲۷٫۶درصد از آنها نیز بین ۳۶ تا ۴۵سال، ۳۵٫۳درصد از آنها نیز بین ۴۶ تا ۵۰ سال و ۲۵٫۹ درصد از آنها نیز بیشتر از ۵۰ سال سن دارند؛ درخصوص تحصیلات پاسخگویان، مطابق جدول ۲۱٫۲درصد پاسخگویان درای تحصیلات کارشناسی ، ۶۱٫۲ درصد انها کارشناسی ارشد و ۱۷٫۶درصد از آنها نیز دارای تحصیلات دکتری میباشند. و فراوانی کار پاسخگویان، مطابق جدول ۱۲٫۹درصد از افراد درای سابقه کار ۵ تا ۱۰ سال، ۲۱٫۸ درصد بین ۱۰ ال ۱۵ سال، ۲۹٫۴ درصد بین ۱۵ تا ۲۰ سال و ۳۵٫۹ درصد دارای سابقه کار بیش از ۲۰ سال می‌باشند.

جدول ۱. توزیع فراوانی جنسیت (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

شرح	درصد فراوانی	شرح	درصد فراوانی
جنسیت مرد	۵۸٫۸	تحصیلات کارشناسی	۲۱٫۲
جنسیت زن	۴۱٫۲	تحصیلات کارشناسی ارشد	۶۱٫۲
سن بین ۲۵ تا ۳۵ سال	۱۱٫۲	تحصیلات دکتری	۱۷٫۶
سن بین ۳۶ تا ۴۵سال	۲۷٫۶	سابقه بین ۵ تا ۱۰ سال	۱۲٫۹
سن بین ۴۶ تا ۵۰ سال	۳۵٫۳	سابقه بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۲۱٫۸
سن بیش از ۵۰ سال	۲۵٫۹	سابقه بین ۱۵ تا ۲۰ سال	۲۹٫۴
		سابقه بیش از ۲۰ سال	۳۵٫۹

1 Purba
2 Susyanti, J. Askandar
3 Olufemi et al.

۵-۲ آمار استنباطی

جدول ۲. شاخص‌های مدل‌اندازه‌گیری

متغیر	سوالات	بار عاملی استاندارد	الفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
آگاهی مالیاتی	em1	۰,۷۳۵	۰,۹۵۳	۰,۹۵۸	۰,۵۸۸
	em12	۰,۷۷۵			
	em13	۰,۷۴			
	em15	۰,۷۹۷			
	em16	۰,۷۸۴			
	em19	۰,۷۸۴			
	em2	۰,۷۹۱			
	em20	۰,۷۸۹			
	em22	۰,۷۳۶			
	em23	۰,۷۶۶			
	em25	۰,۷۲۵			
	em26	۰,۷۶۸			
	em4	۰,۷۸۴			
	em6	۰,۷۸۷			
	em8	۰,۷۶۹			
	em9	۰,۷۳			
تبعیت از قوانین مالیاتی	tb1	۰,۶۷۱	۰,۸۲۲	۰,۸۷۴	۰,۵۸۱
	tb2	۰,۷۵			
	tb3	۰,۸۰۶			
	tb4	۰,۷۹			
	tb5	۰,۷۸۷			
مشوق‌های مالیاتی	ma1	۰,۷۶۸	۰,۸۰۱	۰,۸۷۰	۰,۶۲۵
	ma2	۰,۷۷۸			
	ma3	۰,۸۱۷			
	ma4	۰,۷۹۹			

نتایج جدول۲ نشان می دهد که گویه‌های انتخابی جهت اندازه‌گیری سازه‌های مدل مناسب می‌باشند(مقدار بارهای عاملی همگی بیشتر از ۰,۶ است) و برای هرکدام از سازه‌ها مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده بیشتر از ۰,۷ است که نشان‌دهنده پایایی مناسب سازه‌ها می‌باشد. مقدار شاخص‌های میانگین واریانس‌های استخراج شده برای کلیه سازه‌ها بیشتر از ۰,۵ است یعنی متغیرها دارای اعتبار درونی می‌باشند. شاخص پایایی مرکب نیز برای سازه‌ها بیشتر از ۰,۷ بوده است که نشان از سازگاری درونی مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی تحقیق می‌باشد؛ بنابر این هر کدام از سازه‌های مدل از روایی و پایایی مطلوبی جهت اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش برخوردار هستند.

۵-۳ بررسی روایی واگرا برای متغیرهای تحقیق

روایی واگرا توانایی یک مدل اندازه‌گیری انعکاسی را در میزان افتراق مشاهده‌پذیرهای متغیر پنهان آن مدل با سایر مشاهده-پذیرهای موجود در مدل می‌سنجد؛ برای سنجش روایی واگرا دو شاخص وجود دارد که یکی از این شاخص‌ها ، شاخص روایی یگانه–دوگانه(HTMT) است و دیگری شاخص فورنل -لاکر می‌باشد. جدول شماره ۳ نشان می‌دهد تمام مقادیر کمتر از ۰,۹ می-باشند لذا روایی واگرا بین سازه‌ها مورد قبول می‌باشد.

جدول ۳. روایی واگرای یگانه- دوگانه HTMT

متغیر	آگاهی مالیاتی	تبعیت از قوانین مالیاتی	مشوق‌های مالیاتی
آگاهی مالیاتی	---		
تبعیت از قوانین مالیاتی	۰,۷۹۳	---	
مشوق های مالیاتی	۰,۴۹۹	۰,۵۶۰	---

روش دیگر سنجش روایی واگرا معیار فورنل–لارکر به شرح جدول ۴ است:

جدول ۴. شاخص فورنل‌لاکر

متغیر	آگاهی مالیاتی	تبعیت از قوانین مالیاتی	مشوق‌های مالیاتی
آگاهی مالیاتی	۰,۷۶۱		
تبعیت از قوانین مالیاتی	۰,۷۳۱	۰,۷۶۲	
مشوق های مالیاتی	۰,۴۴۵	۰,۴۶۷	۰,۷۹۱

جدول ۴ نشان می‌دهد که سازه‌ها کاملا از هم جدا می‌باشند، یعنی مقادیر قطراصلی(ریشه دوم متوسط واریانس استخراج شده) برای هر متغیر پنهان از همبستگی آن متغیر با سایر متغیرهای پنهان انعکاسی موجود در مدل بیشتر است.

۴-۵ ارزیابی مدل ساختاری

برای بررسی کیفیت مدل ساختاری از شاخص‌های ضریب تعیین R^2 ، اندازه اثر f^2 و شاخص اعتبار حشو یا افزونگی Q^2 استفاده می‌کنیم. در جدول ۵ مقادیر این معیارها مشخص شده:

جدول ۵. معیارهای برازش مدل ساختاری

متغیر	ضریب تعیین R2	اندازه اثر f2	شاخص افزونگی Q2
آگاهی مالیاتی	۰,۲۹۸	۰,۷۷۶	۰,۱۰۳
تبعیت از قوانین مالیاتی	۰,۵۶۰	---	۰,۲۹۰
مشوق های مالیاتی	---	۰,۲۴۶	---

با توجه به‌نتایج جدول ۵ مقادیر ۰,۲۹۸و ۰,۵۶۰ مربوط به متغیرهای درون زای مدل است که مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌سازد. شاخص افزونگیQ2 قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌کند، در صورتی‌که مقدار آن برای یک سازه درونزا سه مقدار ۰,۰۲ و ۰,۱۵ و ۰,۳۵ را کسب کند، به‌ترتیب نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی ضعیف ، متوسط و قوی سازه یا سازه‌های مربوط به آن را دارد و مقادیر بدست آمده ۰,۱۰۳ و ۰,۲۹۰مربوط به متغیرهای درون‌زای مدل است که مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌سازد. معیار اندازه اثر f 2 برای تعیین شدت رابطه میان متغیرهای پنهان مدل بکار گرفته شده و برای متغیرهای برون‌زای مدل محاسبه می‌شود. سه مقدار ۰,۰۲ و ۰,۱۵ و ۰,۳۵ به‌ترتیب برای اندازه اثر ضعیف، متوسط وقوی در نظر گرفته می‌شود که با توجه به نتایج جدول مقادیر ۰,۲۴۶ و ۰۷۷۶در محدوده مناسب قرار دارند. پس از بررسی شاخص‌ها به‌بررسی معنی‌داری ضرایب مسیر و آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم. مدل نهایی مطابق شکل شماره ۲ است.

خروجی جدول ۶ ضرایب مسیر و سطح معنی‌داری مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم مدل ساختاری برآورد شده را نشان می-دهد. از آنجایی که دراین پژوهش سطح اطمینان ۰/۹۵ درنظرگرفته شده است؛ لذا، برای آزمون فرضیات اگر معنی‌داری از ۰/۰۵کمتر باشد، مسیروضریب مسیر موردنظر معنی‌دار بوده وفرضیه موردنظر تأیید می‌گردد.

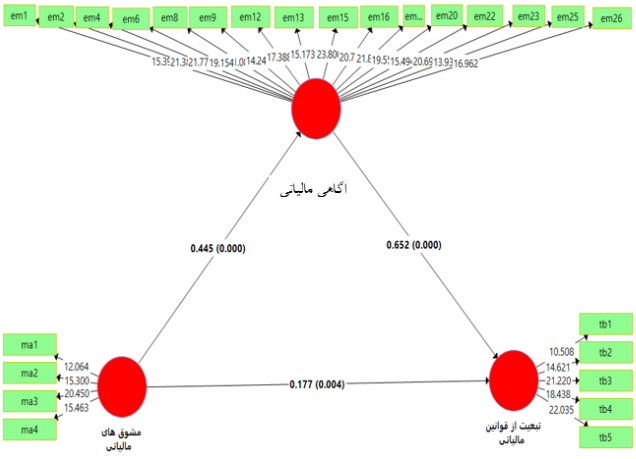

شکل ۲. مدل نهایی جهت بررسی وآزمون فرضیه‌ها(ضرایب استاندارد شده مسیر و سطح معنی‌داری)

جدول۶. نتایج تحلیل حداقل مربعات جزئی وآزمون فرضیه‌ها

مسیر مورد مطالعه در مدل	ضریب مسیر	خطای استاندارد	آماره |T|	مقدار احتمال	نتیجه
مشوق های مالیاتی ← تبعیت از قوانین مالیاتی	۰,۱۷۷	۰,۰۶۱	۲,۹۱۲	۰,۰۰۴	تأیید
مشوق های مالیاتی ← آگاهی مالیاتی	۰,۴۴۵	۰,۰۸۶	۵,۱۴۲	۰,۰۰۰	تأیید
آگاهی مالیاتی ← تبعیت از قوانین مالیاتی	۰,۶۵۲	۰,۰۵۴	۱۲,۰۸	۰,۰۰۰	تأیید
مشوق های مالیاتی ← آگاهی مالیاتی ← تبعیت از قوانین مالیاتی	۰,۲۹۰	۰,۰۵۸	۵,۰۲۲	۰,۰۰۰	تایید

معیار شمول واریانس	آزمون سوبل	
آماره VAF	آماره Z	مقدار احتمال
۰,۶۱۷	۴,۷۴۲	۰,۰۰۰

۵-۵ آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه فرعی اول: مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی تأثیر معناداری دارد: با توجه به نتایج جدول ۶ چون مقدار احتمال آماره T مربوط به ضریب مسیر مستقیم مشوق‌های‌مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی برابر ۰,۰۰۴ کوچکتر از ۰,۰۵بوده و ضریب آن برابر ۰,۱۷۷ مثبت و معنی‌دار می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی در مؤدیان امور مالیاتی استان فارس تأثیر مستقیم و معناداری دارد، بنابراین فرضیه فرعی اول پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه فرعی دوم : مشوق‌های مالیاتی بر آگاهی مالیاتی تأثیر معناداری دارد: با توجه به نتایج جدول ۶ چون مقدار احتمال آماره T مربوط به ضریب مسیر مستقیم مشوق‌های مالیاتی برآگاهی مالیاتی برابر ۰,۰۰۰ کوچکتر از ۰,۰۵بوده و ضریب آن برابر ۰,۴۴۵ مثبت و معنی‌دار می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت مشوق‌های مالیاتی بر آگاهی مالیاتی در مؤدیان امور مالیاتی استان فارس تأثیر مستقیم و معناداری دارد، بنابراین فرضیه فرعی دوم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه فرعی سوم: آگاهی مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی تأثیر معناداری دارد: با توجه به نتایج جدول 6 چون مقدار احتمال آماره T مربوط به ضریب مسیر مستقیم آگاهی مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی برابر ۰,۰۰۰ کوچکتر از ۰,۰۵بوده و ضریب آن برابر ۰,۶۵۲ مثبت و معنی‌دار می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت آگاهی مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی در مؤدیان امور مالیاتی استان فارس تأثیر مستقیم و معناداری دارد، بنابراین فرضیه فرعی سوم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه اصلی پژوهش: مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی با نقش میانجی آگاهی مالیاتی تأثیر معناداری دارد: برای بررسی معنی‌داری تأثیر متغیر میانجی آگاهی مالیاتی بر رابطه مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی از آزمون سوبل استفاده می‌کنیم، چنانچه سطح معنی‌داری آزمون سوبل کمتر از سطح خطای ۰,۰۵ باشد، می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر میانجی‌گری آگاهی مالیاتی بر رابطه مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی را تأیید کرد. با توجه به نتایج جدول ۶ چون سطح معنی‌داری آماره Z مربوط به آزمون سوبل برابر ۰,۰۰۰ کمتر از سطح خطای ۰,۰۵ است، لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد آگاهی مالیاتی بر رابطه مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی تأثیر میانجی‌گری دارد و فرضیه اصلی نیز تأیید می‌شود.

برای تعیین شدت تأثیرمتغیر میانجی از آماره‌ای به نام شمول واریانس VAF استفاده می‌شود؛ این معیار اندازه اثر غیر مستقیم نسبت به کل اثر را تعیین می‌کند، چنانچه مقدار بدست‌آمده کمتر از ۲۰٪ باشد مشخص می‌شود میانجی صورت نگرفته است و اگر بین ۲۰٪ تا ۸۰٪ باشد، میانجی‌گری جزئی رخ داده و اگر بیشتر از ۸۰٪ باشد با میانجی‌گری کامل روبرو هستیم. نهایتا هر چه این مقدار به عدد ۱ نزدیکتر باشد نشان از قوی تر بودن تاثیرمتغیر میانجی دارد. مقدار این آماره برای مسیر مورد نظر با استفاده از فرمول شماره ۱ محاسبه می‌شود :

فرمول (۱)

$$VAF = \frac{0.445 \times 0.652}{(0.445 \times 0.652) + 0.177} = 0.617$$

با توجه به نتایج جدول ۶ مقدار به‌دست آمده برای آماره VAF برابر ۰٫۶۱۷ است و این مقدار بدین معنا است که تقریبا ۶۲ ٪ از اثر رابطه مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی از طریق غیر مستقیم توسط متغیر میانجی آگاهی مالیاتی تبیین می‌شود. طبق این معیار تأثیر غیرمستقیم مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی از طریق متغیر میانجی آگاهی مالیاتی بیشتر از تأثیر مستقیم (۱۸٪) مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی می‌باشد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بر اساس فرضیه فرعی اول نشان می‌دهد که زمانی که نگرش مثبتی نسبت به پرداخت مالیات در بین عموم مردم جامعه وجود داشته باشد، فرهنگ مالیاتی شکل خواهد گرفت که نتیجه این عمل پرداخت به موقع مالیات ها خواهد شد لذا ایجاد نگرش نسبت به پرداخت مالیات توسط ثروتمندان منجر به این خواهد شد که پرداخت مالیات ها به موقع و به صورت کاملا عادلانه پرداخت شد چرا که بیشتر سهم پرداخت مالیات توسط افرادی است که از درآمد بالاتری برخودارند و زمانی که این افراد مالیات های خود را به موقع پرداخت کنند، به خاطر توان پرداخت مالیاتی، عدالت در مالیات های پرداختی ایجاد خواهد شد چرا که افرادی که باید مالیات های خود را پرداخت می کنند، به آن عمل خواهند کرد و فشار از اقشار کم درامد برداشته خواهد شد لذا با توجه به نتایج به دست آمده از این فرضیه مشخص می شود که مشوق‌های مالیاتی می‌توانند به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر سیاست‌گذاری مالیاتی، نقش مهمی در افزایش تبعیت مؤدیان از قوانین مالیاتی ایفا کنند. یافته‌ها حاکی از آن است که ارائه مشوق‌هایی نظیر تخفیف، معافیت یا تسهیل در پرداخت، نگرش مثبت‌تری در مؤدیان نسبت به نظام مالیاتی ایجاد می‌کند و احساس عدالت و اعتماد آنان را به نهاد مالیاتی افزایش می‌دهد؛ در نتیجه، تمایل آن‌ها برای رعایت قوانین مالیاتی تقویت می‌شود. نتیجه این فرضیه هم‌سو با نتیجه پژوهش اولادیپو و همکاران(۲۰۲۳) می‌باشد.

یافته‌های پژوهش بر اساس فرضیه فرعی دوم نشان می‌دهد که مشوق‌های مالیاتی از جایگاهی راهبردی در ارتقای سطح آگاهی مالیاتی مؤدیان برخوردارند. این مشوق‌ها با ایجاد انگیزه‌های مثبت، مؤدیان را ترغیب می‌کنند تا شناخت عمیق‌تری نسبت به قوانین، مقررات و فرآیندهای مالیاتی به‌دست آورند. هنگامی‌که نظام مالیاتی از طریق سیاست‌های تشویقی، رفتارهای صحیح مالیاتی را مورد حمایت قرار می‌دهد، درک مؤدیان از عدالت، شفافیت و کارآمدی نظام مالیاتی افزایش می‌یابد و در نتیجه تمایل آنان به کسب دانش و اطلاعات مالیاتی بیشتر می‌شود. افزایش آگاهی مالیاتی، خود به‌عنوان یکی از عوامل اساسی در بهبود تبعیت مالیاتی و کاهش رفتارهای اجتنابی یا فرار مالیاتی مطرح است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مشوق‌های مالیاتی نه‌تنها ابزار اقتصادی، بلکه سازوکار آموزشی و فرهنگی مؤثری برای تقویت مسئولیت‌پذیری مالیاتی در جامعه هستند. در سطح کلان، ارتقای آگاهی مالیاتی از رهگذر اجرای سیاست‌های تشویقی می‌تواند به افزایش درآمدهای پایدار دولت، ارتقای شفافیت اقتصادی و تحقق عدالت مالیاتی منجر شود. نتیجه این فرضیه هم‌سو با نتیجه پژوهش اولادیپو و همکاران(۲۰۲۳) می‌باشد.

یافته‌های پژوهش بر اساس فرضیه فرعی سوم نشان می‌دهد که آگاهی مالیاتی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین رفتار مالیاتی مؤدیان، نقشی تعیین‌کننده در افزایش تبعیت از قوانین مالیاتی ایفا می‌کند. ارتقای سطح دانش و درک مؤدیان نسبت به قوانین، مقررات و اهداف نظام مالیاتی، زمینه‌ساز بهبود نگرش آنان نسبت به عدالت و مشروعیت این نظام است. هنگامی‌که مؤدیان از حقوق، تکالیف و پیامدهای مالیاتی خود آگاه باشند، احتمال انجام داوطلبانه تعهدات مالیاتی افزایش یافته و تمایل به رفتارهای اجتنابی یا فرار مالیاتی به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد .افزایش آگاهی مالیاتی نه‌تنها موجب بهبود تبعیت قانونی می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به نهادهای مالیاتی و احساس مسئولیت اجتماعی در قبال پرداخت مالیات را تقویت می‌کند. در نتیجه، ارتقای آگاهی مالیاتی می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد پایدار برای بهبود کارایی نظام مالیاتی، افزایش درآمدهای دولتی و تحقق عدالت اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه این فرضیه هم‌سو با نتیجه پژوهش اولادیپو و همکاران(۲۰۲۳) می‌باشد.

یافته‌های پژوهش بر اساس فرضیه اصلی نشان می‌دهد که آگاهی مالیاتی نقش میانجی معناداری در تقویت اثر مشوق‌های مالیاتی بر تبعیت از قوانین مالیاتی ایفا می‌کند. به بیان دیگر، مشوق‌های مالیاتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق افزایش سطح آگاهی مالیاتی مؤدیان، موجب ارتقای تبعیت از مقررات مالیاتی می‌شوند. هنگامی‌که نظام مالیاتی با به‌کارگیری سیاست‌های تشویقی(نظیر معافیت‌ها، تخفیف‌ها یا تسهیلات پرداخت) اعتماد و انگیزه‌ی مؤدیان را افزایش می‌دهد، آنان تمایل بیشتری برای یادگیری و درک قوانین مالیاتی پیدا می‌کنند. این افزایش آگاهی به نوبه خود باعث می‌شود مؤدیان نسبت به مسئولیت‌ها و منافع تبعیت داوطلبانه از نظام مالیاتی شناخت دقیق‌تری کسب کنند. از سوی دیگر، آگاهی مالیاتی به‌عنوان پل ارتباطی میان انگیزه‌های بیرونی(مشوق‌ها) و رفتارهای درونی(تبعیت) عمل می‌کند. این متغیر، اثر سیاست‌های تشویقی را به رفتار واقعی مالیاتی تبدیل کرده و از طریق افزایش اعتماد، شفافیت و درک عدالت مالیاتی، زمینه شکل‌گیری تبعیت پایدار را فراهم می‌سازد. در نتیجه، می‌توان گفت که مشوق‌های مالیاتی زمانی بیشترین کارایی را دارند که با ارتقای سطح آگاهی مالیاتی همراه باشند. به‌عبارتی، تأثیر واقعی سیاست‌های تشویقی در گرو بهبود آگاهی، آموزش و اطلاع‌رسانی مؤثر به مؤدیان است. بنابراین، توصیه می‌شود سیاست‌گذاران مالیاتی، طراحی مشوق‌ها را هم‌زمان با برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در حوزه مالیات دنبال کنند تا تبعیت داوطلبانه، پایدار و آگاهانه از قوانین مالیاتی در جامعه نهادینه گردد. نتیجه این فرضیه هم‌سو با نتیجه پژوهش لوفمی و همکاران (۲۰۲۳) می‌باشد.

براساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود سازمان امور مالیاتی با طراحی مشوق‌های شفاف و اجرای آموزش‌های مالیاتی، آگاهی و تمایل مؤدیان به تبعیت از قوانین را افزایش دهد. همچنین ترکیب سیاست‌های تشویقی با اطلاع‌رسانی مؤثر می‌تواند موجب تقویت اعتماد، آگاهی و تبعیت داوطلبانه از نظام مالیاتی شود. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به محدود بودن جامعه آماری، کمبود دسترسی به داده‌های دقیق مالیاتی و تفاوت در سطح آگاهی و درک پاسخ‌دهندگان از قوانین مالیاتی اشاره کرد. همچنین نتایج پژوهش ممکن است به دلیل شرایط زمانی و مکانی خاص، به سایر جوامع قابل تعمیم نباشد.

منابع

۱) یزدانی، م.، کاظمی، ح.، و فلاح، ن. (۱۳۹۹). تأثیر سیاست‌های تشویقی مالیاتی بر تمایل به تبعیت مؤدیان مالیاتی. فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۲۷(۳)، ۵۵–۷۶.

۲) حسینی، م.، جعفری، س.، و صادقی، ن. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر تبعیت مالیاتی مودیان حقیقی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۲۱(۳)، ۱۱۵–۱۳۴

3) Alm, J. (2019). What motivates tax compliance? Journal of Economic Surveys, 33(2), 353–377.
4) Allingham, M. G., & Sandmo, A. (1972). Income tax evasion: A theoretical analysis. *Journal of Public Economics, 1*(3-4), 323–338.
5) Ali, M. (2022). The mediating role of tax awareness on the relationship between tax incentives and tax compliance. International Journal of Economics and Finance, 14(4), 45–58.
6) Amin, A. (2018). Preferensi Resiko Dalam Memoderasi Pemahaman Peraturan Perpajakan Dan Kesadaran Wajib Pajak Terhadap Kepatuhan Formal Pada KPP Makassar Utara. Akmen Jurnal Ilmiah.
7) Berutu, D. A., & Harto, P. (2012). Persepsi Keadilan Pajak Terhadap Perilaku Kepatuhan Wajib Pajak Orang Pribadi (WPOP). Diponegoro Journal of Accounting, 2(2), 1–10.
8) Eriksen K.,and Fallan,L(1996). Tax knowledge and attitudes towards taxation:A report on quasi experiment, Journal of Economic Psychology,17,387-402.
9) Fatimah, S. Wardani, k. (2017). Faktor-faktor Yang Mempengaruhi Penggelapan Pajak Di Kantor Pelayanan Pajak Pratama Temanggung. Akuntansi Dewantara. Vol. 1, No. 4.
10) Frey, B. S., & Torgler, B. (2007). Tax morale and conditional cooperation. Journal of Comparative Economics, 35(1), 136–159.
11) James, S., & Nobes, C. (2014). *The economics of taxation* (12th ed.). Fiscal Publications.
12) Kirchler, E., Hoelzl, E., & Wahl, I. (2008). Enforced versus voluntary tax compliance: The "Slippery Slope" framework. *Journal of Economic Psychology, 29*(2), 210–225.
13) Lipatov, V. (2012). Corporate tax evasion: The case for specialists. Journal of Economic Behavior & Organization, 81(1), 185-206.
14) Loo, E. C. (2020). Tax knowledge, tax complexity and tax compliance: Tax literacy as a mediating factor. Asian Journal of Accounting and Governance, 14, 17–28.
15) Modugu, K. P., & Anyaduba, J. O. (2014). Impact of tax audit on tax compliance in Nigeria. International Journal of Business and Social Science, 5(9), 207–215.

16) Nkundabanyanga, S. K., Mvura, P., Nyamuyonjo, D., Opiso, J., & Nakabuye, Z. (2017). Tax compliance in a developing country: Understanding taxpayers' compliance decision by their perceptions. Journal of Economic Studies, 44(6), 931–957.
17) OECD. (2010). *Understanding and influencing taxpayers' compliance behaviour*. OECD Publishing.
18) Oladipo, O.A., Ogunjobi, J.O., Eluyela, D.F. (2022). The impact of ethical tax Behaviour On Tax Compliance Of Tax Authority and Corrorate Taxpayers Of Listed manufacturing companies in nigeria, Academia Letters, 1-10.
19) Olufemi Oladipo, Tony Nwanji, Damilola Eluyela, Bitrus Godo and Adekunle Adegboyegun (2023). Impact of tax fairness and tax knowledge on tax compliance behavior of listed manufacturing companies in Nigeria. Problems and Perspectives in Management, 20(1), 41-48.
20) Palil, M. R., & Mustapha, A. F. (2011). The evolution and concept of tax compliance. Asian Journal of Accounting and Governance, 5, 73–81.
21) Purba, H. (2021). The effect of tax information Socialization and tax knowledge on Taxpayer compliance with taxpayer Awareness as mediation variables, International Journal of Multidisciplinary Research, 7(1), 106-119.
22) Rohmawati, R. Lusia, T. (2012). Effect socialization of Taxation and Knowledge on Awareness Levels and Taxpayer Compliance (Studies in personal taxpayer who Conducting Business and Employment on STO North Gresik). Proceedings of the National Symposium on Taxation 4
23) Saad, N. (2014). Tax knowledge, tax complexity and tax compliance: Taxpayers' view. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 109, 1069–1075.
24) Saad, N., & Hanefah, M. M. (2017). The role of tax education in improving tax compliance: A conceptual model. Malaysian Accounting Review, 16(1), 1–18.
25) Susyanti, J. Askandar, N. S. (2019). Why is Tax Knowledge and Tax Understanding Important? Jurnal Ilmiah Bidang Akuntansi dan Manajemen, 16(2), 187-194.
Tan, L. and Chin-Fatt, C. (2000), "The Impact of Tax Knowledge on the Perceptions of Tax Fairness and Attitudes Towards Compliance", Asian Review of Accounting, Vol. 8 No. 1, pp. 44-58.
26) Utama, M. Umar N. K, Arik, A. (2022). Effect of Religiosity, Perceived Risk, and Attitude on Tax Compliant Intention Moderated by e-Filing. International Journal of Financial Studies, 10(8), 1-15.
27) Winerungan, O. L. (2013). Sosialisasi Perpajakan, Pelayanan Fiskus dan Sanksi Perpajakan Terhadap Kepatuhan WPOP di KPP Manado dan KPP Bitung. Jurnal EMBA, Vol.1, No.3, September
28) Zuhdi, F. A., Topowijono, & Azizah, D. F. (2015). Pengaruh Penerapan E-SPT dan Pengetahuan Perpajakan Terhadap Kepatuhan Wajib Pajak (Studi Pada PKP yang Terdaftar di KPP Pratama Singosari). Jurnal Perpajakan (JEJAK), 7(1), 1–7.

Examining the Effect of Tax Incentives on Tax compliance through the Mediating Role of Tax Awareness (A Case study of Taxpayers in Fars Province)

Zahra Khast khodai
Department of Accounting, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
Shekoufeh Nekoueizadeh
Department of Accounting, Firoozabad Branch, Islamic Azad University, Firoozabad, Iran.

Abstract

The present study investigates the impact of tax incentives on tax compliance through the mediating role of tax awareness, using taxpayers in Fars Province as a case study. The research employs a descriptive–correlational design. The statistical population consists of taxpayers affiliated with the Tax Affairs Organization of Fars Province. From a total population of 300 taxpayers, a sample of 170 respondents was selected based on Morgan's sampling table. Data were collected through a standardized questionnaire. The content validity of the questionnaire was confirmed by experts, and its reliability was verified using Cronbach's alpha coefficient.
Data analysis was conducted using factor analysis and structural equation modeling (SEM) with the aid of SPSS and Smart PLS software.
The findings reveal that tax incentives have a significant and positive effect on tax compliance, both directly and indirectly through the mediating role of tax awareness. Moreover, tax incentives exert a significant influence on tax awareness, and tax awareness significantly enhances taxpayers' compliance with tax regulations.
Tax incentives and taxpayers' awareness play a crucial role in strengthening voluntary compliance and improving the efficiency of the tax system. Understanding these relationships helps policymakers design more effective incentive mechanisms to promote fiscal responsibility and sustainable revenue collection.

Keywords: Tax Incentives, Tax Compliance, Tax AwarenessTaxpayers.